

تاریخچه نسخه‌های خطی افغانستان و احیای متون آن

دانشمند گرامی مدیر مجله وزین یغما!

این خطابه را در سمینار کتب خطی که در کابل تشکیل شده بود، و نمایندگان ۱۲ مملکت آسیائی و دیگران در آن اشتراک کردند، خواندم و برای نشر به آن مجله عزیز فرستادم.

درین سمینار که بنده کرسی ریاست آنرا داشتم، اکثر مطالب راجع به حفظ کتب خطی منظور و در قطعنامه آخر سمینار جای داده شد.

امید است نشر این خطابه برای خوانندگان گرامی یغما خالی از دلچسپی نباشد.

عبدالحی حبیبی

رئیس انجمن تاریخ افغانستان

استاد عبدالحی حبیبی - کابل

قدیم‌ترین نسخه‌های خطی دوره اسلامی افغانستان و سرزمین‌های مجاور آن که در زبانهای عربی و دری موجودند، مربوطند بدوره بیکه رسم الخط کوفی درین سرزمین با فرهنگ عربی و دین اسلام بعد از قرن اول هجری رواج یافته بود.

در عصر پیش از اسلام عربها خطی داشتند، که با قلم نیطی شباهتی داشت و از همین خط بعدها رسم الخط کوفی بمیان آمد که قدیم‌ترین نمونه‌های این خط منبع قلم کوفی را در نقش زبد نزدیک دریای فرات یافته‌اند، و تاریخ آن ۵۱۱ م است و پس از آن نقش حران کوهسار جنوب شام بر دروازه دیر است که در سنه ۵۶۸ م بهمین رسم الخط پیش از رواج کوفی نوشته شده است، و علما گویند که نشئت این خط هم در اواسط قرن ششم میلادی است، و بعد ازین در خلال سالیان ظهور اسلام خط عربی نشو و نما یافته، که پس ازین بخط کوفی مشهور شده است، و قدیم‌ترین نمونه این خط نوشته سنگ قبر است که در مصر پیدا شده، و در جمادی الاخری سنه ۳۱ ه آنرا نوشته‌اند، و بعد ازین کتیبه قبه صخره بیت مقدس در سنه ۷۲ ه کتابت شده است.

در دوره قبل از اسلام در افغانستان رسم الخطهای مختلف خروشته‌ی - یونانی - آرامی - سره داناگری - پهلوی - اوستا و غیره رواج داشت، ولی فتح عرب تمام آن رسوم قدیمه را ازین برد، و در نصف اول قرن اول هجری رسم الخط کوفی با وضع ساده ابتدائی خود بمقد علم و فکر اسلامی جای آنرا گرفت و مامی بینیم که در آغاز قرن دوم هجری این رسم الخط کوفی به شرق افغانستان یعنی وادی سند هم رسیده بود، چنانچه سنگ نبشته‌های مسجد بمپور سند مربوط سال ۱۰۷ ه و ۲۹۴ ه بخطوط نسبتاً مهذب کوفی اخیراً کشف شد، و هم در وادی توجی وزیرستان متصل سرحد افغانستان سنگ نبشته سال ۲۴۳ ه بدست آمده که بدو خط کوفی و سره داناگری سنسکریت است، و از این برمی آید که فرهنگ قدیم توأم با آثار ثقافت عربی

در قرن سوم هجری هم درین سرزمین موجود بود .

رسم الخط کوفی در نوشته‌های عربی و دری در قرن سوم و چهارم هجری رواج کامل یافت و مامی‌بینیم که قدیمترین نسخ خطی دری در خراسان بهمین رسم الخط نوشته شده ، و آنچه از نسخه‌های قدیمتر دری تا کنون مکشوفند ، همه نوشته و تألیف مردم این سرزمین اند: مثلاً کتاب الابنیه عق حقایق الادویه تألیف ابومنصور هروی است که تا کنون کتاب کهن تردری خطی مکشوف دنیا شمرده شده ، و اینک در کتابخانه و یانا موجود است ، که آنرا حکیم اسدی طوسی در سنه ۴۷۷ هـ نوشته است . کتاب دوم خطی دری هم به سرزمین شمال خراسان تعلق دارد که در ۲۴ شوال سنه ۴۷۳ هـ بیست و شش سال بعد از نسخه کتاب الابنیه کتابت شده و جلد سوم شرح دری کتاب التعرف فی مذهب التصوف ابوبکر کلایزی بخاری متوفی ۳۸۰ هاست که امام اجل زاهد فقیه ابوابراهم اسماعیل مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) با همان دری روان و شیرین اواخر عهد سامانی کرده است ، و نسخه منحصر بفرد آن در کابل بود ، و متأسفانه این کتاب کهن تر دوم مکشوف مخطوطات دری اکنون بیرون رفته و در موزه کراچی موجود است . (۱)

نسخه خطی سوم کهن تردری همان هدایة المتعلمین ابوبکر ربیع بن احمد بخاری است که در سنه ۴۷۸ هـ نوشته شده و در کتابخانه بود لیان آکسفورد موجود و خط آن بسیار شبیه به نسخه دوم است ، و آنچه بعضی مؤلفان ایرانی (۲) این نسخه را کتاب دوم کهن تر مخطوط دری بعد از کتاب الابنیه شمرده اند سهواست ، و من درین باره مقالتی را در ارمان علمی طبع لاهور (ص ۵۱ بعد) در سنه ۱۹۵۵ م نوشته بودم . (۳)

مراد ازین تذکر اینست که خط کوفی در مخطوطات دری از مدت يك هزار سال بدینطرف رواج داشته و کهن ترین آثار مکشوف مخطوط دری نیز در خراسان و حواشی آن بوجود آمده و سه نمونه قدیم آن اکنون هم باقی مانده اند ، و این خود آشکارا می‌سازد که سرزمین خراسان مدتی پرورشگاه نسخه نویسی قدیم زبان دری و رسم الخط کوفی بود ، که در قرون ما بعد این رسم الخط به انواع خطوط دیگر مانند نسخ و ثلث و تعلیق و رقاع و نستعلیق و شکست و غیره تبدیل و متفرع شده است .

داستان نسخ خطی خراسان و ضیاع آن مانند سر نوشت شهرهای آن خیلی ملال آور و حسرت انگیز است . باین معنی که در دوره‌های مشعشع نضج و درخشانی تمدن و فرهنگ خراسانی اسلامی ، یعنی عصر سامانیان و غزنویان و غوریان درین سرزمین بسا شهکارهای ادبی و هنری و مکاتب ادب و هنر بوجود آمده بودند . و کتاب خانه‌های نشابور - مرو - هرات - بلخ - بامیان - بخارا و غیره از نسخ فراوان خطی عربی - دری پر بود . ولی فتنه‌های تمدن سوزنیماهای

- ۱ - درباره کتاب شرح تعرف استاد مجتبی مینوی در مجلد دوم یغما سال ۱۳۲۸ صفحه ۴۰۵ مقالتی مفصل و ممتع نوشته‌اند با تحقیقی و دقتی عمیق . (مجله یغما) ۲ - مانند
- دکتور جلال متینی در مقدمه هدایة المتعلمین ص ۴۶ و ایرج افشار در سیر کتاب در ایران ص ۱۹ .
- ۳ - درباره کتاب هدایة المتعلمین استاد مجتبی مینوی مقاله‌ای محققانه و دقیق در مجلد سوم یغما (اسفندماه ۱۳۲۹) نوشته‌اند با نمونه‌ای از خط قدیم ترین نسخه آن . تاریخ کتابت مقاله استاد مینوی پنج سال پیشتر از تاریخ کتابت مقاله استاد حبیبی است . (مجله یغما)

اقوام خانه بدوش غز و سلاجقه و بالاخره چنگیزیان منگولی این خزاین علم و هنر را طوری از بین برد که اثری از آن باقی نماند ، حتی از شاهکار مشهور فردوسی که لابد در خراسان خوانندگان فراوان داشت ، اکنون نسختی خطی قبل از مغول باقی نمانده است . و همچنین از کتاب تاریخ بیهقی جز قسمت کوچک آن در دست نیست . و کتاب جغرافی ابو عبدالله جیهانی وزیر سامانیان که محمد بن احمد بشاری نویسنده احسن التقاسیم پیش از ۳۷۵ هـ در عصر امیر نوح بن منصور سامانی هفت جلد آن را در کتابخانه عضدالدوله ، و همچنین مختصری از آن را در نساپور دیده بود ، اکنون بکلی از بین رفته و مفقود الاثر است . کتاب مقامات بونصر مشکان صاحب دیوان رسالت دربار سلطان محمود و مسعود که محمد عوفی آنرا در جوامع الحکایات بنام «مقامات بونصر» یاد میکند ، و علماء درباره آن شك و شبهتی داشته اند^۱ به تصریح تاریخ منظوم زجاجی (نسخه خطی پشاور) فروتر از ده جلد بود ، که این کتاب نفیس تاریخی هم اکنون بکلی معدوم است .

یاقوت حموی که در سنه ۶۱۶ هـ حضرت مرو شاهجان پایتخت خراسان را دیده بود ، ده کتب خانه بزرگ را درین شهر نام می برد ، که از آن جمله کتابخانه عزیزیه در جامع شهر واقع و دارای ۱۲ هزار کتاب بود که مؤسس آن عزیزالدین عتیق مُرد میوه فروش مروی باشد . یا قوت گوید : کتابهای این خزاین بسهولت مورد دسترس بود و من همواره دو صد جلد آنرا بدون رهن بمنزل خود می آوردم و از آن سودها می بردم ، و حتی درین عالم کتاب ، شهر و دیار و خانواده و فرزندان خود را فراموش کردم.^۲

فتنه چنگیز تمام این مخازن فرهنگ و دانش را با شهرهای بزرگ متمدن خراسان چنان از بین برد ، که بقول منهای سراج در برخی شهرها دیواری نماند و متنفسی را از انسان و حیوان باقی نگذاشتند . چون مردم این سرزمین همواره خلاق مدنیت و فرهنگ بودند ، دو صد سال از آن فتنه نگذشته بود ، که با زهرات و سمرقند و بخارا و دیگر بلاد خراسان مراکز پرورش هنر و کتاب نویسی و کتاب آرای شدند ، و در دوره تیموریان هرات شهکارهایی در هنر خط و میناتور و تذهیب و تجلید کتب بوجود آمد ، که تاکنون هم از بهترین کتب خطی دنیا محسوبند . مثلاً به اتفاق هنرشناسان نسخه شاهنامه بایسنقری که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۹۲ م در هرات بخط جعفر بایسنقری نوشته شده ، از گرانبها ترین کتب دنیاست ، که اکنون در موزه گلستان تهران موجود است . این کتاب نفیس ۲۲ میناتور مکتب نقاشی هرات و تذهیب و تزیین بسیار عالی نظر ربای حیرت آوری با بهترین کاغذ و صجافی و وقایه و شیرازه بندی دارد ، و از عالیترین کتابهایی است که تاکنون در تاریخ بشر ساخته شده است .^۳

با سقوط دولت تیموریان هرات بقیه السیف شهزادگان و رجال هنر دوست هرات با عده ای از هنریندان و شاعران و دانشمندان و خطاطان و نقاشان و رجالیکه حامل خزاین نفیس کتب خطی بودند ، به سندوهند و بخارا و دولت عثمانی ترکی روی آوردند که بقایای این آثار هنری و کتب خطی منقولاً اکنون در کتابخانه های هند - شوروی - ایران - ترکیه - لندن - قاهره و دیگر بلاد جهان محفوظند ، و مقدار بسیار کمی در افغانستان باقی مانده اند . و اگر توجهی به فراهمی و نگهداری آن نشود ، این میراثی گرانبها عنقریب از مملکت

۱ - رجوع به سبک شناسی بهار ۲ - ۶۷

۲ - معجم البلدان ۵ - ۱۱۴

۳ - راهنمای صنایع اسلامی ۸۳ و میراث ایران ۲۴۵

خارج کرده خواهند شد ، و این خسارت عظیمی باشد که از ناحیت فرهنگ و کلتور متحمل می‌شویم ، و تلافی آن هم در آینده بکلی ناممکن است . زیرا که هر کسی که آنرا بدست آورد چنین نقایس را به بهایی باز فروشند ، و مانند حرزجانش نگهدارند .

نسخه‌های خطی که از نظر تاریخ و فرهنگ جزو مهم میراث عظیم کلتوری ما اند ، به لحاظ ارزش علمی - ادبی - فرهنگی - تاریخی آن بچند قسمت مهم بخش کرده می‌توانیم ، که در سطور ذیل به موارد استفاده از آن هم اشارت می‌رود :

۱- از نظر هنری :

برخی از نسخه‌های خطی صرف از نظر هنر و آرت بهائی دارند ، باین معنی که متن آن جداگانه در دست است و نادر و نایاب نیست و بارها چاپ هم شده ، ولی نسخه خطی آن از چندین نقطه نظر ارزشی دارد : گل کاری - جداول - تذهیب - میناتور - نقاشی - کاغذ - خط - استعمال رنگها - سیاهی - تزئینات و غیره .

مثلاً نسخ خطی قرآن که متن آن نایاب نیست ، ولی هر نسخه خطی آن بیکی از لحاظ های فوق دارای اهمیت است ، زیرا این نسخ متبرک را همواره عقیده با خط خوش بر کاغذ نفیس - با نقاشی و تزئینات برک و گل به سیاهی و رنگهای دلچسپ می‌نوشتند ، و قرآنهایی که در عصر پیش از مغول نوشته شده‌اند ، از نظر تحول خط و نقاشی اهمیت فراوان دارند ، و گاهی برخی نسخ و تفسیر های آن برای شاهان و حکمرانان نوشته شده که ازین نقطه نظر هم دارای بهائی‌اند ، مانند تفسیر دری‌موزه ایران باستان که در ۵۸۴ برای مطالعه غیاث‌الدین محمد بن‌سام غوری پادشاه افغانستان نوشته شده ، و یا نسخه های قرآن که بران برخی عهدنامه‌ها را نوشته‌اند ، و از جمله نسخه بیست در کتابخانه کابل که هم از حیث خط و تذهیب ارزنده است و هم بر ورق اول آن عهدنامه شاه شجاع‌الملک با سیدخدادادخان و تعهد محمد اکرم‌خان وزیر با حقدادخان بارکزی نوشته شده ، و از نظر تاریخ افغانستان اهمیتی دارند . در کتابخانه عامه کابل هم نسخ گرانها ازین قبیل موجود است ، مانند کلیات بیدل به خط و تذهیب و نقاشی سردار غلام محمدخان طرزی قندهاری ، یا نسخه بوستان بخط میرعماد نستعلیق نویس معروف و همچنین است مجموعه های خطوط میرعبدالرحمن هروی و سیدعطا محمد شاه قندهاری و نسخه های دیوان جامی و امیرعلی شیرنوایی و سلطان حسین بایقرا که خطاطان معروف و اساتید هرات نوشته و نقاشان و مذهبان نامی مکتب هرات بران کار کرده‌اند و درموزیم های دنیا موجودند . و همین چند ماه قبل يك نسخه منطوق الطیر عطار با چندین میناتور مکتب هرات که از کتب‌خانه امیر عبدالرحمن خان بود ، در لندن به ۱۸ هزار پوند فروخته شد .

۲ - نسخه‌هایی که متن آن بهادارد :

برخی از نسخه‌های خطی موجودند که از نظر هنر و خط چندان جالب نبوده ، ولی موضوع آنرا از دو لحاظ مطالعه کرده می‌توانیم :

اولاً مسایل علمی و فلسفی که از نظر تاریخ فکر و کلتور معنوی مردم مهم‌اند . مثل

تاریخ - اجتماع - سیر علوم - ارتقای فکری - ابتکار های علمی و فکری وضع عقاید و افکار و غیره .

ثانیاً : تاریخ نظم و نثر ولغت و سبکهای تاریخی زبان - نکات گرامری و فصاحت و بلاغت - خصوصیات لهجه مقامی و تعابیر و اداهای خاص مردم مناطق خاصه . مثلاً نسخه های خطی تاریخ بیهقی - تاریخ هرات - زین الاخبار گردیزی - طبقات الصوفیه خواجه انصاری هروی - آداب الحرب والشجاعة فخر مدبر ، و آثار گرانبهای البیرونی و صوفیان و حتی برخی از کتب تحقیقی دانشمندان متأخر مانند مغنم و ریاض المهند سین و لسان المیزان و دیگر آثار علامه حبیب الله محقق قندهاری و دیگر علماء ، منبع فواید گونا گونا گند که احیاء و نشر آن کار دانشمندان محقق و بصیر است .

این نسخه ها ولو باخط بد و صورتی عاری از تزئینات ظاهری بدست آیند ، وجود آنها نزد ارباب علم مانند طلای نایبست . برای مثال باید گفت که طبقات الصوفیه خواجه هرات علاوه بر ارزش فکری و صوفیانه بهای هنگفت ادبی نیز دارد ، و مخزن گرانبهایست از لغات و کلمات و تعابیر و اداهای زبان دری که در قرن پنجم در هرات و خراسان رواج داشت و هکذا تاریخ بیهقی هم وضع اجتماعی مردم و دربار و سیاست عصر را روشن می سازد ، و هم نمونه ارجمندیست از نثر فصیح دری قرن پنجم - هکذا نسخه واحده خیرالبیان بایزید پیرروشان که در المانست ، و نسخه دیگر خطی پشتو بهمان سبک و لهجه که در قندهار است از مغنمات آثار قدیم پشتواند .

ثالثاً گاهی نسخه های خطی بسیار زیبایی منقش و مجدول نفیس بنظر می آیند ، که در عین حال ارزش معنوی هم دارند و مزایای صوری و معنوی دران موجود است . مثلاً نسخ خطی بسیار خوشخط و مذهب منقوشی که انواع هنر در ترتیب آن بکار رفته ، و متن آن تفسیر است یا طب یا گیاه شناسی یا ادب و تاریخ . نسخه های شاهنامه که دارای الوان و نقوش و تصاویر و مزایای صوری اند ، هر یکی در ترتیب متن جامع انتقادی این شهکار ادب و حماسه بکار می آیند . و همچنین نسخه های تفاسیر دری قرآنی که با خطوط و تزئینات بسیار دلانگیز نوشته شده اند ، و انواع هنر انسانی را در ترتیب آنها بکار برده اند ، متن آن هم از نظر ادب - گرامر - بدیع و بیان و تعابیر خاصه و استعمال لغات همواره مورد استفاده و تحقیق دانشمندان خواهد بود . که ازین جمله نسخ خطی ترجمه تفسیر طبری - تفسیر سوره آبی - تاج التراجم - جزوه تفسیر قدیم کیمبرج - و دیگر تفاسیر دری بهترین منابع سبک شناسی و نکات دستوری و دیگر منافع لسانی و بیانی اند . و هم ازین جمله اند تذکره الکحالین تحریر ۵۷۵ و مجموعه متون مهم نایاب طبی مشتمل بر اعمار و العقاقیر المفردة و المركبة زهراوی اندلسی ، و تقویم الادویه المفردة از طبیب ابو العلامی و غیره که در کتابخانه بالاماری پشاور موجود بودند .

۴ - نسخه های منحصر بفرد و طرز ترتیب آن :

نسخه هایی که متن آن جای دیگر کشف نشده و منحصر بفرداند ، درخور توجه فراوان باشند ، زیرا متن واحد و لواز نظر محاسن صوری ارزنده نباشد ، مگر به لحاظ موضوع و محتوا دارای ارزش است .

نسخه های مکرر را در حین ترتیب متن انتقادی آن برای تصحیح بکار می برند ، و نسخه بدل های آنرا در پاورقی میدهند و صورت اصح و متقن يك پارچه مختلف را در متن میگذارند ، و اختلافات نسخ را به حاشیه می برند ، ولی این ترتیب در متن واحد منحصر بفرد دست نمیدهد ، و باید خود صورت متن را مورد تحقیق قرار داد .

چون اغلب نسخ خطی را کاتبان جاهل یا خوشنویسان نا آشنا بموضوع کتاب می نوشته اند بنا برین گاهی در متن سهوهای فاحش روی داده و حتی سقطات و اضافاتی هم در آن واقع شده است . گاهی کاتب اشتباه کرده و بزم را نرم نوشته و حتی عادت نداشته که کلمات را نقطه گذاری بجایی نماید ، و بنا برین در متن واحد تحریفات غیر ارادی کاتبان دخیل است ، و حتی نسخه های خطی را دیده ام که کاتب آن صرف نقاش حروف بوده و ابدأ زبانرا نمیدانسته است . و این نوع نسخ درهند فراوانند ، که اشخاص خوش نویس اما جاهل بزبان نوشته اند ، مثل نسخه طبقات ناصری پوهنتون پنجاب که نویسنده آن خدا را هم نمی شناخت و در اکثر موارد آنرا (جدا) می نوشت .

اما گاهی کاتب اراده تحریفی را در متن وارد کرده و بزعم خود کلمه یی را کشیده و کلمه دیگری را بجای آن نشانده است که درینصورت اولاً ذوق کاتب از قریحه مؤلف کتاب والایتر و رساتر نبوده ، و اگر هم باشد ، ذوق او به لحاظ حفظ امانت مدارا اعتبار نتواند بود .

بهر صورت اگر در پیش محقق که متن انتقادی کتاب خطی را برای چاپ ترتیب میکند چند نسخه موجود باشد سهولت میتواند از بین اختلاف متن چند نسخه ، آنچه بنظرش موثوق و صحیح تر برسد صورت آنرا در متن گذارد ، و باقی نسخه بدلها را در پاورقی جای دهد . ولی در نسخه واحد اگر متن مورد دستبرد کاتب گشته باشد ، در اینجا وظیفه ترتیب کننده متن دشوارتر است ، و باید حتی المقدور بکوشد که بمدد کتب دیگر موضوع را حل نماید ، و دلایل خود را هم در پاورقی بگنجاند ، و اگر این کار ممکن نشد ، و حل جملات یا کلمات مبهم در کتب و متون دیگر مربوط به همان فن یافته نتوانستند ، آنگاه در پاورقی رای خود را می نویسند ، و یا اصل متن نسخه واحد را نقل کرده به گذاشتن علامت استفهام بین قوسین یا «کذا فی الاصل» و غیره ابهام آنرا نشان میدهند .

در ترتیب نسخه های منحصر بفرد دقت و تحقیق فراوان لازم است و باید هر کلمه آنرا از روی استعمال بموقع و وضوح مطلب و تلازم با الفاظ وارده در آن متن ، و هم از نظر سبک شناسی و رواج مسالك ادبی همان عصر مورد غور قرار داد . و اگر پیش مرتب نقاد و بصیر دانشمند دلیلی ادبی یا تاریخی یاقتنی برای تبدیل کلمه یی بکلمه دیگر موجود باشد باید آنرا در پاورقی شرح دهد .

مثلاً نسخه خطی زمین الاخبار گردیزی که از روی دو متن خطی کتب خانهای کمبریج و اکسفورد ترتیب کرده ام ، این نسخه در حقیقت واحد است ، زیرا نسخه اکسفورد فقط نقل نسخه اول است ، و بنا برین برای حل مشکلات فراوانی که درین کتابست بمتونی که مأخذ و مدرک خود گردیزی بود رجوع کردم ، و سهوها و فرو گذاشت ها و سقطات ارادی و غیر ارادی کاتبان و نواقص این نسخه خطی را از روی همان متون تکمیل یا تصحیح نمودم که عنقریب بطبع سپرده میشود .

آفات وارده بر نسخ خطی واحد متعدد است : جهل کاتب - تعصبات خاص فرقی - نامساعد بودن اقلیم و هوا - هجوم حشرات و کرمهای دشمن کتاب - نادانی مالک کتاب که با چاقوی جهالت و ستم تصاویر کتاب را می تراشد ، و یا به نظر خاص تعصب با نام یکی بذوق و عقیده خود علیه السلام و رحمه الله و یا دیگری لعنه الله و غیره می نویسد ، و حتی گاهی مطلبی را مسخ نموده و عامداً و قاصداً در آن تصرف ناجایز می نماید . در چنین موارد اگر نسخ متعددی از همان متن در دست باشد کار مدقق آسانست و میتواند متن دست ناخورده آفت زده بی را تشخیص کند . ولی در نسخه واحد چنین انتخاب انتقادی دشوار است . جز اینکه مدقق موارد مشبوه را در پاورقی با نظر انتقادی خویش نشان دهد .

در اینجا مثالی چند از نسخه زین الاخبار گردیزی که بطبع مهیاشده می آورم : گردیزی در شرح روزهای اسلامی گوید : که روز ۱۱ ذیحجه را **یوم القر** گویند ، این نام در هر دو نسخه یوم القر نوشته شده که من آنرا به یوم القر تصحیح کردم ، زیرا البیرونی در آثار الباقیه گوید : « یوم القر ، لان الناس یستقرون فیه بمنی » (ص ۳۳۴) .

در شرح حال منصور عباسی می نویسد : و گرد اندر گرد کوفه او دیوار کشید و مال آن براهل شهرها جبایت کرد . این کلمه در هر دو نسخه خطی جنابت است که طابع این فصل ، آنرا بارها جنابت خوانده و طبع کرده ، در حالیکه اصل آن جبایت است که در عربی جبئی المال آمده و مراد از آن وضع خراج باشد .

همچنین گردیزی در شرح حال مأمون گوید که حسن بن سهل نام ابوسرایا را از دفتر لشکر کشید و این مطلب را چنین افاده میکند : « و حسن بن سهل به «آمار مرد انکارش» نام او بیفکنند ، در هر دو نسخه این اصطلاح لشکری : بدار مرد انکارشی نوشته شده ، که مرحوم سعید نفیسی آنرا بدار خرد انکارشی طبع کرده و یکی ازین صور معنی ندارد . و من این کلمه را به «آمار مرد انکارش» تصحیح کردم زیرا الیعقوبی در تاریخ خود (۷۷۷) صاحب دیوان را «المرد مار» و خوارزمی هم آمار دهپیر (دبیر مالیات) و گنز آمار دهپیر (دبیر خزانه) و غیره می نویسد (مفاتیح العلوم) - و بدین سند «آمار مرد انکارش» صحیح تر خواهد بود یعنی دفتر مرد شمار ، که همین وجه را من با قید احتیاط بر حاشیت همین مبحث نوشته ام .

۵- نسخه های خطی:

نسخه هایی موجودند که بارها طبع شده و یا متون مخلوط و محدث متعدد آن باقی اند ولی ارزش نسخه اصیل کهن سال آن بجاست . زیرا گاهی ارباب تصوف و تلقین متون درمی قدیمی را که بزبان کهن مطابق دساتیر ادبی عصرهای گذشته نوشته شده ، و بعد از چند قرن فهم مطالب آن بر مردم دشوار بود ، بزبان مروج عصر خود در می آوردند ، و بدینصورت متن قدیم متروک می ماند ، و آنچه بقول جامی «بزبان متعارف روزگار» در آمده بود رواج و مقبولی می یافت .

صوفیان این کار را جایز می دانستند زیرا مراد ایشان از مطالعه يك متن ، جنبه تلقین و تأثیر روحی آن بود و با سبک ادبی آن کاری نداشتند . مثلاً کتابی بنام سواد اعظم در عربی تألیف اسحق بن محمد مشهور به حکیم سمرقندی در حدود ۲۹۰ هـ مشتمل بر عقاید اهل سنت موجود بود و این کتاب در حدود ۳۷۰ هـ به خواست امیر خراسان نوح بن منصور بزبان درمی

دوره سامانی ترجمه شد، که مقارن ترجمه تفسیر و تاریخ طبری از مهم‌ترین و کهن‌ترین متون زبان دری بشمار می‌آید، ولی خواجه محمد پارسا مرد صوفی قرن هشتم که در بلخ مدفون است در سنه ۷۹۵ هـ این متن کهن اصیل را مورد دستبرد قرار داده و از آن رسایی را در شرح عقاید اهل سنت ساخت، و آن متن قدیم را بزبان و متعارف روزگار، خویش درآورد، و اکنون که من نسخه بسیار نادر و شاید منحصر بفرد اصیل دوره سامانی آنرا یافته‌م ثابت شد که بین دو متن قدیم و جدید خواجه پارسا از نظر ادبی و سبک‌شناسی تفاوت فراوانی موجود است و بنا بر این ارزش متن کهن آن با وجودیکه مطالب و محتوای آنرا خواجه پارسا برداشته بجای خود باقی است و پیداشدن متن اصیل دری آن از مغفومات روزگار است.

مثال دوم این گونه تحریف و دستبرد همان شرح تعرف مستملی بخاری است که ذکر آن پیشتر کرده شد و نمونه دیگر این کار تصرف مولانا جامی در متن طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری است که کتاب نفحات الانس از آن بوجود آمده و چون من متن اصیل طبقات انصاری را با همان سبک و چهره قدیم لهجه هروی آن، از روی چند نسخه خطی مکشوف دنیا در سنه ۱۳۴۱ ش با تعلیقات و توضیحات فراوان به اصول انتقادی این عصر از کابل نشر کرده‌ام، مدققان و اهل نظر و کتاب‌شناسان سبک‌دان میدانند که بین دو متن انصاری و جامی چه تفاوت فراوان موجود است؟

بدینصورت نسخه‌های خطی ما را به معارف پیشینیان و افکار و هنر و وضع اجتماعی و فکری و سبک نویسندگی و اداء و تعابیر و خصوصیات لهجوی و بسا لغات و کلمات از دست‌رفته زبانه‌ها و واقعیت‌های تاریخی و مسایل علمی و ادبی و اجتماعی سابقه آشنا می‌سازد، و چون علم و معرفت بدین چیزها مال مشترک بشر است باید به حفظ و فراهمی انواع نسخ خطی توجه بین‌المللی مبذول گردد، و مبادله عکس‌های این گونه نسخ برای استفاده پژوهندگان، همواره با سهل طرق میسر باشد، و من در پایان مقال درین باره سخنی چند را باین انجمن دانشمندان پیشنهاد می‌نمایم:

۱ - باید یک انجمن بین‌المللی کتاب‌شناسان دری - عربی - پشتو - اردو - ترکی بشمول ممالکی که دارای این زبانها اند و یا ذخایر چنین کتب را دارند تشکیل گردد، و مرکزی را بسویه بین‌المللی برای ترتیب - تنقیح - جستجو - فراهمی - نشر - حفظ - کشف نسخ خطی بوجود آورند.

۲ - برای این کارها در ممالک مربوط شعب فرعی این مرکز تأسیس گردد، و مبالغی تخصیص داده شود تا به همکاری و اطلاع از کار همه این مراکز، حفظ و نشر نسخ خطی و کشف آن صورت گیرد، دانشمندانی که در تربیت علمی و روش انتقادی ترتیب نسخ خطی تجربه و مهارتی دارند، و اهل همان زبان و همان سرزمین اند بکار گماشته شوند، و وسایل طبع و نشر آن ترتیب گردد.

۳ - وسایلی فراهم آید تا تمام نسخ خطی با سهل طرق در دسترس دانشمندان باشد و فهارس کتب خطی در هر مملکت ترتیب و تکمیل و نشر گردد.

۴ - عکس‌ها و روتوگرافهای نسخ واحد منحصر بفرد بین تمام این مراکز بین‌المللی مبادله شود .

۵ - یک نشریه بین‌المللی برای اطلاعات مربوطه به کشف و تحقیق و نشر و دیگر امور کتاب‌شناسی مخطوطات بوجود آید ، تا کتاب‌شناسان دنیا از فعالیت مراکز یکدیگر آگاه باشند و کارهای مکرری درین زمینه انجام نشود ، و ترتیب انتقادی متون خطی و نشر آن به کسانی سپرده شود که به نحو احسن اهل همان کار باشند .

۶ - چون برخی نسخ خطی تاکنون غیرمکشوف بوده و در هر گوشه و کنار مواجه به خطر و اتلاف‌اند ، باید برای نجات آن بسوی بین‌المللی توجه بعمل آید. و مؤسساتی امثال یونسکو و غیره به حفظ این امانت انسانی همت گمارند .

این مقاله مخزنی است عظیم از تحقیقاتی گران بها متضمن نام و نشان بسیاری از نسخه‌های خطی دری، وروش نگاهبانی آن نسخه‌ها، و طرز تصحیح و مقابله آنها در چاپ و پیشنهاداتی فرهنگی در مبادله کتاب. در جوامع انسانی ارزش‌چنین تحقیقات و تبیعات ورنجها را اهل فن می‌توانند دریافت. مجله یغما از استاد بزرگوار مشرق زمین عبدالحی حبیبی در ارسال چنین مقالاتی امتنان و افتخار بسیار دارد و در باره سمینار کتاب در کابل، که ریاست آن با استاد بوده است مقالاتی انتشار خواهد داد.

ن!

بلا بجان فریب آشنا بگیردشان!	بلاست زن که خدا در بلا بگیردشان
خدا را چه بگویم؟ خدا بگیردشان!	ازین جماعت ناحق شناس دیوسرشت
که جان خلق بگیرند تا بگیردشان!	چو دیرگیر شودخشم حق؛ از آن ترسم
مگر که مالک دوزخ زما بگیردشان!	بهشت را چه تمتع بود چو زن باماست

مباد آنکه خدا زین دعا بگیردشان!	نشاط جان و دلند این فرشتگان عذاب
پزمان بختیاری	